Arshive of SID

تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

رضا صفری شالی[1]
استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی

مطالعات جامعه‌شناختی
(علمی ـ پژوهشی)
دوره ۲۲، شماره دو: ۲۳۷-۲۱۱
شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰
نمایه در ISC

دریافت: ۹۴/۶/۱۷ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۳

چکیده

مقوله‌های «زن» و «عدالت جنسیتی» بسته به اینکه در چه حوزهٔ گفتمانی قرار گرفته باشند، معانی و هویت‌های متفاوتی به‌خود می‌گیرند که هریک به نوع خاصی از گفتمان بستگی دارند که به آن معنا و هستی بخشیده است. مقاله حاضر، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که دولت‌های بعد از انقلاب اساساً چه رویکردی به مقوله «عدالت جنسیتی» داشته‌اند؟

این مطالعه، به بررسی عدالت جنسیتی در دولت‌های بعد از انقلاب پرداخته است که علی‌رغم اینکه هریک دارای گفتمانی مربوط به خود بوده‌اند، اما همچنان ذیل گفتمان جامع انقلاب اسلامی فعالیت نموده‌اند. از این طریق سعی شده است تا به بازشناسی دگرگونی رویکردهای مختلف گفتمانی در خصوص مقوله‌های «زن» و «عدالت جنسیتی» پرداخته شود. نگاه گفتمانی به مفاهیم، به‌خصوص کاربست شیوه تحلیل گفتمان «لاکلاو و موفه» که بر مبنای آن، عناصر در درون گفتمان از طریق عمل مفصل‌بندی حول دال مرکزی معنا می‌یابند، نگاهی است که می‌تواند این نسبت معنایی حول مفاهیم زن و عدالت جنسیتی را نشان دهد.

یافته‌های حاصل که مربوط به تحلیل گفتمان متون لوایح پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده و مبین رویکرد دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور به مقوله عدالت جنسیتی هستند، حاکی از آن‌اند که دال شناور «عدالت اجتماعی»، ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی، در قالب نشانه مرکزی «عدالت جنسیتی» مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی مذکور، نظام معنایی‌ای متشکل از دال‌های اصلی «توانمندی زنان»، «اشتغال زنان»، «حجاب و عفاف زنان» و «امنیت زنان» شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: عدالت جنسیتی، زنان، گفتمان، دولت سازندگی، دولت اصلاحات، دولت اصول‌گرای عدالت محور

۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: reza_safaryshali@yahoo.com

www.SID.ir

Arshive of SID

۱. بیان مساله

ظهور انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ه. ش. در ایران، زمینه‌ساز تسلط گفتمانی تحت عنوان «گفتمان جمهوری اسلامی» در فضای سیاسی و اجتماعی کشور گردید که حاصل مفصل‌بندی دو نشانهٔ مهم «جمهوریت» و «اسلامیت» می‌باشد. اسلامیت، خود دال مرکزی گروه‌های اسلامی بنیادگرا و سنت‌گرا بود که نشانه‌های روحانیت، فقه و ولایت فقیه را با هم در یک گفتمان گرد می‌آورد. از سوی دیگر، جمهوریت و مفاهیم وابسته‌اش، مانند مردم، آزادی و قانون، در مجموع، مفاهیمی جدید هستند که به گفتمان تجددگرایی باز می‌گردند. این دو گروه از نشانه‌ها و عناصر پراکنده - متشکل از سنت‌گرایی و تجددگرایی- در سایهٔ فضای استعاری گفتمان جمهوری اسلامی بازتعریف و به‌صورت وقته‌هایی[1] حول شخصیت «امام خمینی» مفصل‌بندی گردیدند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۳۹).

بدیهی است که عنصر زن و عدالت جنسیتی نیز درون این گفتمان، غنای خود را از این دو دال مرکزی مذکور دریافت می‌نماید. بدین ترتیب که گفتمان جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، برخی از بخش‌های گفتمان سنتی را به‌دلیل نادیده‌انگاشتن برابری زن و مرد در مقام انسان و تأکید بر تقدم هویت جنسیتی بر هویت انسانی آن‌ها و همچنین، به‌دلیل تأکید بر عدم‌امکان سازش میان آزادی حضور زنان در اجتماع و رعایت آموزه‌های اسلامی، موردانتقاد و سرزنش قرار داده است (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

اما نکته مهم در گفتمان جمهوری اسلامی، تأثیرپذیری دال‌های اصلی جمهوریت و اسلامیت از یکدیگر برمبنای تفسیر امام است که این گفتمان را متمایز از پادگفتمان‌های آن نظیر لیبرالیسم، فمنیسم و ... می‌نماید (مهدوی‌زادگان و دیگران، ۱۳۸۳: ۷۰)؛ به‌طوری‌که، در گفتمان جمهوری اسلامی، دال اسلامیت به‌عنوان منبع معنادهی به دال‌های شناور، باعث گردیده که عنصر زن با جهان‌بینی‌ای دینی و مذهبی پیوند خورده و خود نیز بازتولیدکننده این جهان‌بینی از طریق نهاد خانواده گردد. بنابراین، در گفتمان جمهوری اسلامی، تساوی حقوق میان افراد به‌معنای تشابه حقوقی میان آن‌ها نیست، بلکه مطابق با اصل عدالت و با توجه به تفاوت‌های موجود در میان زنان و مردان باید برای هر یک، حقوقی خاص تدوین شود و تدوین حقوق مشابه برای زن و مرد، در واقع به‌معنای عدم‌رعایت عدالت است (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۲۴-۱۲۱).

1 moments

www.SID.ir

Arshive of SID

بدین ترتیب گفتمان جمهوری اسلامی، با برجسته‌کردن چنین وضعیت ناعادلانه‌ای که نسبت به زنان در گفتمان‌های دیگر به‌وجود آمده بود، راه رهایی زنان از وضعیتی را که به آن دچار شده‌اند در انقلاب و فروریزی گفتمان مدرنیزاسیون ترسیم نمود (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۲۶۰). بدیهی است عملی‌شدن چنین راه‌حلی نیاز به تحولی عظیم جهت برجسته‌نمودن چنین وضعیت ناعادلانه‌ای است (آکوچکیان، ۱۳۸۳: ۹۵)؛ این تحول، از طریق دال اسلامیت در گفتمان جمهوری اسلامی قابل‌تحقق است تا از این طریق بقاء و مانایی گفتمان جمهوری اسلامی تضمین گردد.

با توجه به تحلیل فوق و نقش محوری تربیتی زن در خانواده، قانون اساسی، هویت اصلی زنان و حقوق انسانی (نه جنسیتی) آنان را فقط در جهت ایجاد بنیادهای اسلامی مشروع می‌داند و تکالیف و وظایف زنان، چه در بیرون از خانواده و چه در درون آن، تبدیل به تکالیف سیاسی خاص در جهت تحکیم گفتمان جمهوری اسلامی شده است و این همان چیزی است که می‌تواند برای گفتمان جمهوری اسلامی دگرساز گردد تا از این طریق با به‌چالش‌کشیدن گزاره‌های دیگر، برای خود مشروعیت لازم را کسب نماید، از این‌رو، در نوشتار حاضر، در راستای پاسخگویی به این سوال که اساساً دولت‌های بعد از انقلاب چه رویکردی به مقوله «عدالت‌جنسیتی» داشته‌اند؟، به بررسی عدالت جنسیتی در دولت‌های بعد از انقلاب پرداخته خواهد شد. البته هرچند هر یک از دولت‌ها دارای گفتمان مربوط و مختص به خود بودند، اما همچنان ذیل گفتمان جامع انقلاب اسلامی فعالیت نموده‌اند. نگاه گفتمانی به مفاهیم، به‌خصوص کاربست شیوه تحلیل گفتمان «لاکلاو و موفه»، که بر مبنای آن، عناصر در درون گفتمان از طریق عمل مفصل‌بندی حول دال مرکزی معنا می‌یابند، نگاهی است که می‌تواند این نسبت معنایی حول مفهوم زن را در برداشته باشد؛ چراکه واژه «زن» بسته به اینکه در چه حوزهٔ گفتمانی قرار گیرد، معانی و هویتهای متفاوتی اتخاذ می‌کند که به نوع خاص گفتمانی بستگی دارد که به آن معنا و هستی بخشیده است. این گفتمان کلان در ایران پس از انقلاب، گفتمان جامع انقلاب اسلامی است.

۲. بررسی پیشینه موضوع

مطالعات و بررسی‌ها پیرامون موضوع اصلی پژوهش، حاکی از وجود تحقیقاتی مرتبط بوده که در ذیل تحت عنوان پیشینه پژوهش قابل‌ذکر است؛ بدین شرح که:

www.SID.ir

Arshive of SID

رودگر (۱۳۸۸) در مقاله «عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری» بیان می‌کند که «عدالت» از حیث مفهوم‌شناختی، به معانی «تعادل و توازن، تساوی در شرایط مساوی، تفاوت در شرایط متفاوت، دادن حق هر صاحب حقی و قرارگرفتن هر چیزی در جای خود» است. در این نوشتار، مفاهیم و مبانی «عدالت» و «جنسیت» و ترکیب «عدالت جنسیتی» از منظر علامه طباطبایی و شهید مطهری موردبررسی قرار گرفته و معلوم می‌شود که یگانه مرجع حقوقی نظام آفرینش، غایت‌مندی فعل الهی، رابطه وثیق حق و تکلیف، حق و عدالت، وحدت‌انگاری عالم وجود و نسبت طبیعت و فطرت انسانی است. نظام ارزشی اسلام در جریان «عدالت جنسیتی» نیز معنا و مبنای خود را نشان می‌دهد؛ مساوات ملازم بلکه متحد با عدالت است و عدالت ریشه در تساوی دارد تا نفی تبعیض در آن، اصلی اصیل و قطعی باشد و «تشابه» اساساً موضوعیت ندارد؛ اگرچه مساوات مطلق غیرممکن و مطلوب هم نیست؛ زیرا تفاوت‌های طبیعی و اکتسابی چنین حکم می‌کند.

عطارزاده (۱۳۸۸) در مقاله «عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست»، این ادعا را مطرح می‌کند که تحقق عدالت در رویکرد سیاسی اسلام که همواره بر اساس قابلیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی هر یک از دو جنس، در ضمن یکتاانگاری هر دو جنس در عرصه حقوق انسانی، تکالیف و وظایف متناسب با آن را بر دوش زن و مرد می‌گذارد، اقتضای آن را دارد که در شرایطی که ویژگی‌های انسانی در معادلات سیاسی تاثیرگذار است، هر دو جنس، یکسان و فارغ از تفاوت‌های موجود، در عرصه عمومی و سیاست حضوری فعال داشته باشند. این نوشتار در راستای تبیین محوریت مقوله عدالت در تامین پیوند جنسیت با عرصه سیاست، نخست، معنا و مفهوم عدالت در رویکرد جنسیتی را تبیین نموده و در ادامه به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زنان می‌پردازد و برخی از شبهات درباره عدم‌حضور سیاسی اجتماعی زنان را بیان و پاسخ‌های مستدل به آن را می‌دهد.

آقاجانی (۱۳۸۸) در مقاله «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، این نکته را یادآور شده که نخستین موج فمینیسم، در اواخر قرن نوزده، با ویژگی تلاش برای کسب حقوق مساوی به‌ویژه حق رأی پدید آمد. فمینیسم لیبرالی، در این مرحله، با استدلال بر اشتراک ماهیت انسانی یا «جوهره مشترک انسانی» یا برتری ارزش‌های زنانه و با صرف‌نظر از تفاوت‌های جنسیتی، به‌دنبال برابری منزلت و نقش زن در مقابل مرد بود. حوزه فعالیت موج دوم به عرصه‌های

www.SID.ir

Arshive of SID

مختلف خانواده، کار و نظریه‌پردازی در حوزه علوم‌انسانی تعمیم یافت. موج سوم هم بیشتر، از دیدگاه پست مدرن، تحولات نظام سرمایه‌داری و رویکرد افراطی موج دوم متاثر است. در این سه موج، عدالت جنسیتی جایگاهی ندارد؛ چراکه با تکثرگرایی نمی‌توان مبنایی برای عدالت ترسیم نمود. بر این اساس، در این نوشتار ضمن نقد و بررسی نظریه تساوی، به تبیین دیدگاه اسلامی و شاخصه‌های عدالت جنسیتی پرداخته و معلوم می‌شود در اسلام، درحالی‌که تفاوت‌ها نادیده گرفته نشده، تبعیض هم تجویز نمی‌شود.

آتشک (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران» بیان می‌کند که در مجموع، در گروه‌های سنی تا ۳۴ سال، در نقاط شهری در گروه‌های سنی تا ۳۹ سال و در نقاط روستایی در گروه‌های سنی تا ۲۴ سال، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد و بیشترین بی‌عدالتی‌های آموزشی در گروه‌های عمده سنی بالاتر از ۳۵ سال مشاهده می‌شود. همچنین، تحلیل مقاطع مختلف تحصیلی اشاره به آن دارد که در مقطع ابتدایی، عدالت جنسیتی در آموزش حاصل شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی، بی عدالتی به ضرر دختران و فقط در دوره پیش دانشگاهی بی عدالتی به ضرر پسران وجود دارد.

کاشانی (۱۳۹۰) در انجام مطالعه‌ای با عنوان «مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان» به بررسی مبانی عدالت جنسیتی در حوزه اشتغال زنان با رویکردی دینی پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که در مبانی دینی، زنان مالک اموال خود هستند و وظیفه رفع نیاز خانواده بر عهده آنان نیست ولی می توانند از این حق طبیعی استفاده کنند که البته مشروط بر این که تعارضی با حقوق همسر و فرزندان ایجاد نکند و در صورت تعارض با تأمین شرایط و تمهید امکانات، تعارض نقش برطرف شود.

صداقتی‌فرد و سخامهر(۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «تاثیر نابرابری‌های جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار به این نتیجه رسیدند که احساس نابرابری جنسیتی در بین دانشجویان دختر، به‌ویژه در رابطه با نابرابری حقوقی، در سطح بالایی قرار دارد و نیز میزان مشارکت رسمی و غیررسمی آن‌ها در مقایسه با پسران در سطح پایینی است.

www.SID.ir

Arshive of SID

تحقیقات انجام‌شده در سایر کشورها

خانی[1] (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «چهارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری جنسیتی در جهان»، ضمن بررسی شاخص‌های مهم نابرابری جنسیتی، به تبیین مشکل ساختاری این شاخص‌ها در خصوص عدم‌توجه به الگوها و قالب‌های ساختاری جوامع پرداخته است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که منابع منتشره در جهان وجود نابرابری‌های جنسیتی را تأیید می‌کنند و عوامل اجتماعی کلید اصلی آن‌هاست.

سیونو[2] (۲۰۱۲) در مورد رابطه بین اشکال تجاری و تفاوت‌های جنسیتی در بازار کار در مورد داده‌های ۸۰ کشور با سطوح درآمد پایین، متوسط و بالا به این نتیجه رسید که با بهبود وضعیت اقتصادی، مردان در مقایسه با زنان سریع‌تر در بازار کار جذب شده و میزان نابرابری در دست‌یابی به شغل افزایش می‌یابد.

لذا از مجموع مطالب پیشینه، این‌گونه به‌دست می‌آید که عدالت جنسیتی، موضوع ظریف و دارای ابعاد و اضلاع متفاوتی است که عدم‌توجه به برخی از این ابعاد و اضلاع می‌تواند عدم‌درک از عدالت را به‌وجود آورد. از این‌رو، بیشترین بحث عدالت جنسیتی در برخورداری شرایط یکسان برای دسترسی به منابع و فرصت‌ها است، لذا در این بخش نابرابری بین زن و مرد وجود دارد و معمولاً نتایج نشان می‌دهد که مهمترین شاخص‌های نابرابری در حوزه اجتماعی و اقتصادی است، به‌طوری‌که در جامعه شرایط و موقعیت‌ها برای مردان در دسترسی به فرصت‌ها و منابع اقتصادی و اجتماعی بیشتر از زنان است.

۳.بررسی مفهومی و نظری موضوع

مفهوم عدالت عبارت است از برابری، همسانی، دادگری، انصاف و حد متوسط میان افراط و تفریط (معین، ۱۳۷۱: ۲۲۸۲). عدالت، در جایگاه مقابل «ظلم و جور» نیز تعریف شده است؛ به‌طوری‌که در قاموس المحیط آمده: «عدل ضد جور است. آنچه که در نفوس پابرجا می‌شود و مستقیم است مانند عدالت، عدوله، معدلت و ...» (صفری شالی، ۱۳۹۲: ۴۰۴). لازم به ذکر است، مساوات و عِدل در معنا نزدیک بوده، با این تفاوت که مساوات در چیزی است که تساوی آن با

1 Khani
2 Seguino

www.SID.ir

Arshive of SID

بصیرت درک شود ولی عِدل در مورد چیزی است که تساوی آن با حس معلوم شود (عطارزاده، ۱۳۸۹).

در اندیشه امام علی(ع) عدالت به معنای قرارگرفتن هر چیزی در جای خویش است[۱] (دشتی، ۱۳۷۸: ۷۳۵)؛ به همین جهت، ایشان عدالت را تدبیری عمومی می‌دانند که همه مردم را در برمی‌گیرد که از جود و بخشش نیز برتر و شریف‌تر است. در میان اندیشمندان مسلمان نیز همین معنا تقریباً موردقبول است؛ به‌طوری‌که، علامه طباطبایی می‌نویسد: «هی اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له» (طباطبایی، بی‌تا، جلد ۱۲: ۳۳۱)؛ بنابراین، برخلاف دیدگاه‌های اندیشمندان غربی از جمله کارل مارکس که عدالت اجتماعی را به‌مثابه برابری و مساوات تلقی می‌نمودند، در اندیشه اسلامی چنین رویکردی مشاهده نمی‌شود چراکه اندیشه غالب آن است که چنین تعبیری، با ریشه لغوی عدل سازگار نیست (مددی چلیچه، ۱۳۸۸ : ۱۰).

عدالت، متأثر از مفهوم کلی آن، در حوزه جنسیت نیز که اشاره به ویژگی‌هایی دارد که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی، در هر یک از دو جنس مرد و زن به‌طور متفاوت بروز و ظهور می‌کند (رودگر، ۱۳۸۸: ۱۵) ورود نموده و مفهومی ناآشناتر و مبهم‌تر، تحت عنوان «عدالت جنسیتی» را شکل داده است که به‌معنای رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قلمداد می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۹۲)؛ البته، به‌گونه‌ای که هر یک از دو جنس متناسب با خصایص زنانه یا مردانه از همه امکانات برخوردار باشد و هیچ‌گونه ستم یا اجحافی در حق آنان وارد نشود (پیت و ویک، ۱۳۸۴). پس اقتضای عدالت جنسیتی آن است که جنسیت افراد مانع از آن نشود که به‌دلیل ناتوانی در احراز شأن و منزلت شایسته خود، احساس ناکامی و کهتری کنند (عطارزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

از آن‌جا که طبق گواهی‌تاریخ، زنان از مقطعی، به‌ویژه به‌دلیل زنانگی خویش- نه عامل دیگری- از حقوق بایسته خود در اثر غلبه مردانگی محروم مانده، در نتیجه جامعه بشری، ایشان را در موقعیت فروتری نسبت به مردان یافته است، طرح مقوله عدالت جنسیتی بیشتر در خصوص زنان مصداق می‌یابد؛ لذا بر این اساس، تحقق عدالت را با حذف تمایزهایی که به‌لحاظ جنسیت مؤنث بر جنس زن تحمیل گردیده، مرتبط می‌دانند؛ اما احکام اسلام در زمینه

۱ الْعَدْلُ یَضَعُ الأُمُورَ مَوَاضِعَهَا.

www.SID.ir

Arshive of SID

عدالت جنسیتی نشان از حاکمیت پارادایم تعامل‌گرا در زمینه حقوق زن دارد و بر این اصل مبتنی است که جنس مؤنث از لحاظ ویژگی‌های بیولوژیک و نیز از حیث خاصه‌های روان‌شناختی، تفاوت‌هایی با جنس مذکر دارد، اما این تفاوت‌ها اولاً، طولی نبوده، بلکه عرضی هستند و در نتیجه، تفاوت‌های انکارناپذیر جسمی و بیولوژیک دو جنس، هرگز به‌مثابه ارزش‌گذاری فرادستی و فرودستی جنسی نیست؛ ثانیاً، فقط سویه‌های حقوقی زندگی دو جنس را در برمی‌گیرند و در عرصه‌های اخلاقی و انسانی اثری ندارند. اساس ویژگی‌های دوگانه این پارادایم، تفاوت و نابرابری در حقوق زن و مرد در مواردی که برقراری عدالت به آن منوط باشد، پذیرفتنی است؛ در نتیجه هر تبعیضی به منزله ظلم نخواهد بود و آن‌جا که نابرابری‌ها بر اصل اصیل عدل استوار نباشد، یک‌سره مردود شمرده می‌شود (عطارزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

به‌طورکلی در مباحث شهروندی و توجه به عدالت جنسیتی، لیستر[1] سه رهیافت متفاوت در رابطه با عدالت جنسیتی را بیان می‌نماید که عبارتند از «بی‌طرفی جنسیتی»، «تفاوت جنسیتی» و «تعدد جنسیتی» که به‌طور مختصر می‌توان گفت که:

۱. *بی‌طرفی یا برابری جنسیتی*[2]، که بیشتر در دیدگاه‌های فمینیست‌های لیبرال به چشم می‌خورد به این امر معتقد است که جنسیت هیچ ارتباطی با تخصیص و اعمال حقوق و وظایف ندارد. از زمان انقلاب فرانسه تا به امروز بسیاری از حامیان حقوق زنان به این اصل استناد می‌کنند و حقوق و وظایف را متعلق به کلیه انسان‌ها بدون درنظرگرفتن جنسیت می‌دانند. اما انتقادی همیشگی در پیش روی این دیدگاه وجود دارد که بر این امر تأکید می‌کند که بهتر است زنان فطرت خاص خود را در الگوی شهروندی گسترش دهند تا این که خواهان برابری در الگویی از شهروندی باشند که توسط مردان تأسیس و تنظیم گردیده است یا به بیان دیگر زنان مستحق داشتن حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خاص خودشان هستند (جُنز، ۱۹۸۸: ۲۰).

۲. *تفاوت جنسیتی*[3]؛ در این رویکرد اعتقاد بر این است که چون در ماهیت زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد، باید در زمینهٔ حقوق و وظایف شهروندی نیز این تفاوت‌ها اعمال شود و از سیاست مساعد زنان[4] سخن به میان می‌آید: «سیاست مساعد زنان تضمین‌کنندهٔ علایق زنان است و از نوعی دموکراسی که براساس تجربه زنان تغییرشکل داده است، نشأت می‌گیرد» (جنز،

1 Lister (1999)
2 Gender- neutrality
3 Gender- differentiation
4 Women- friendly polity

www.SID.ir

Arshive of SID

۱۹۸۸: ۸۱۱). انتقادی که بر این دیدگاه نیز وارد است حاکی از آن است که این رهیافت، مفهوم فردگرایی را جنسیتی بیان می‌نماید و تعریف بسیار خاصی از شهروندی را در ارتباط با زنان ارائه می‌دهد که باعث به‌وجودآمدن نوعی تضاد و تقابل در عرصه اجتماع در میان زنان و مردان می‌گردد؛ بنابراین، مناسب‌تر به نظر می‌رسد به‌جای پررنگ‌تر کردن تفاوت‌های جنسیتی، مفهوم جدیدی از عدالت جنسیتی ارائه گردد که در تمایزات جنسیتی تأثیر ناشایست نداشته باشد (موفه، ۱۹۹۳: ۳۷۶).

۳. *تعدد جنسیتی*[1]؛ این دیدگاه به‌گونه‌ای حد واسط دو دیدگاه قبلی است و با درنظرگرفتن تفاوت‌های جنسیتی، به ایجاد موقعیت برابر در بین جنسیت‌ها نظر دارد، به این معنا که زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی توانایی تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات کلان اجتماعی را داشته باشند؛ چراکه به تفسیر موفه، منازعه و درگیری فمینیست‌ها برای تساوی زنان، منازعه‌ای برای حل مساله برابری تعریف‌پذیر تجربی نیست که با هویتی عمومی و تشخیص خاص زنان جمع گردد. بر این اساس، رهیافت تعدد جنسیتی منازعه‌ای بر علیه ساختار فرمانبرداری به نفع زنان به راه می‌اندازد و به زنان اجازه می‌دهد که به‌عنوان گروهی اجتماعی، در مقابل ساختارهای نظام مردسالار ایستادگی کنند. همچنین شایان ذکر است، این رهیافت به ما اجازه می‌دهد که دریابیم شخص چگونه در میان گفتمان‌های مختلف ساخته می‌شود و چگونه موقعیت شخص در وضعیتی منفرد مثل کلاس، طبقه، نژاد و جنسیت، مستحیل می‌گردد (موفه، ۱۹۹۳: ۳۸۲). اساساً هر فردی در اجتماع، تحت تأثیر نیروهای زیادی است که مفاهیم و ارزش‌های گوناگونی را به او القاء می‌کنند و به او شکل می‌دهند؛ بنابراین، فقط نوعی دموکراسی کلی‌گرا این امکان را به افراد می‌دهد که هویت شهروندی خود را در سیاستی جمعی عملی نمایند (فیلیپس، ۱۹۹۳: ۷۴).

بر این رهیافت نیز به مانند دو رهیافت پیشین، انتقاداتی وارد است، از جمله آن که این رهیافت باعث ساکن و منجمدشدن هویت‌ها در عرصه اجتماع شده و موجب به‌وجودآمدن مقاومت در مقابل انسجام و حس مشارکت افراد جامعه می‌گردد؛ اما در هر صورت به نظر می‌رسد رهیافت تعدد جنسیتی بهترین رهیافت برای مرتب‌کردن تصمیمات سیاسی بر اساس جنسیت در شکل‌دادن به شهروندی زنان و مردان است؛ چراکه، شهروندی جنسیتی در نظر دارد

1 Gender pluralism

www.SID.ir

Arshive of SID

به بررسی تفاوت‌های زنان و مردان در حقوق و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی بپردازد و دلایل به‌وجودآمدن این تفاوت‌ها را مورد بازبینی قراردهد (فیلیپس، ۱۹۹۳: ۷۴).

۴. روش پژوهش

روش پژوهش انتخابی این نوشتار، توصیفی- تحلیلی در چارچوب نظریهٔ گفتمان لاکلاو و موفه[1] می‌باشد. براساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، گفتمان‌ها معنای جهان اجتماعی را می‌سازند (هوارت، ۱۳۷۹: ۱۳۹)؛ بدین معنی که، امور اجتماعی و سیاسی و به‌طورکلی جهان واقعیت، فقط در درون ساخت‌های گفتمانی قابل‌فهم‌اند و گفتمان‌ها به فهم‌ها از جهان شکل می‌دهند. بر این اساس، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادارشدن و قابل‌فهم‌شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد (منوچهری، ۱۳۸۷). بر این اساس می‌توان گفت، برداشت لاکلاو و موفه از گفتمان یکی از ناب‌ترین صورت‌های نظریهٔ فراساختارگرایی است؛ زیرا هیچ ساختار فراگیر، جهان‌شمول و ثابتی را قبول ندارد (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸: ۱۹۱)؛ البته شایان ذکر است، از منظر نظریهٔ گفتمانی این دو اندیشمند، گفتمان هستی‌ای تغییرناپذیر نیست بلکه گفتمان‌ها به‌طور دائم در برخورد با یکدیگر دچار تغییر می‌شوند؛ به همین علت اصطلاح کلیدی این رویکرد «نبرد گفتمانی»[2] است؛ بدین معنی که، گفتمان‌های متفاوت روش‌های مختلفی را برای صحبت دربارهٔ درک جهان اجتماعی به‌کار می‌برند. بنابراین، نبرد آن‌ها به این دلیل است که هر گفتمان می‌خواهد صاحب هژمونی شود تا بدین وسیله معانی زبانی خاص خود را بر جهان اجتماعی تحمیل کند (فیلیپس، ۲۰۰۲: ۵۰۶)؛ چراکه، هدف نظریهٔ گفتمان لاکلاو و موفه طرح روش‌ها و فرآیندهایی است که در آن، معنی نشانه‌ها تعیین و تثبیت می‌شود؛ فرآیندهایی که معانی قراردادی نشانه‌ها چنان عادی می‌شود که ما آن‌ها را طبیعی می‌پنداریم. نویسندگان مذکور برای تئوریزه‌کردن چنین درکی از گفتمان، اصطلاحاتی چون عنصر[3]، اجزاء[4]، گره‌گاه‌ها[5] و مفصل‌بندی[6] و غیره را به‌کار می‌گیرند (بهرامی‌کمیل، ۱۳۸۸: ۱۹۲)؛ بدین ترتیب که، گفتمان‌ها، بیشتر به یکپارچه‌کردن عناصر و اعمال بخش‌های مختلف جامعه می‌پردازند. این تلقی ما را

1 Laclau&Mouffe
2 discursive struggle
3 element
4 moments
5 nodal points
6 articulation

www.SID.ir

Arshive of SID

متوجه فرآیند یا جریان‌هایی می‌کند که توسط گفتمان‌ها ساخته و پرداخته شده‌اند (فیرحی، ۱۳۸۱: ۵۶).

لازم به ذکر است، گفتمان‌ها این فرآیند و جریان‌ها را از طریق عمل مفصل‌بندی حول گره‌گاه‌ها (دال‌های مرکزی) انجام می‌دهند. بر این اساس، راهی که لاکلاو و موفه برای مطالعهٔ گفتمان پیشنهاد می‌کنند، شباهت‌هایی با مفهوم «ساخت‌یابی» گیدنز دارد که در حقیقت تلاش نظری برای فرارفتن از دوانگاری ساختار و کارگزار محسوب می شود. کار گیدنز، درحقیقت ترکیب این دو سطح به تظاهر متضاد و متفاوت است. به گمان او، انسان ها با توجه به شرایط تاریخی که در آن شکل گرفته اند، اعمال و فرآیندهای اجتماعی را شکل می دهند. بنابراین، نه امکان حذف این سوژه‌های انسانی از ساختار، امکان‌پذیر است و نه انسان‌ها توانایی درگذشتن از شرایط تاریخی خود را دارند. در چنین منظری اولاً، ساختارها مجموعه‌ای محدود و بسته نیستند. ثانیاً، عمیقاً تاریخی و حدوثی‌اند. ثالثاً، به‌مثابه پیکربندی‌های اجتماعی قابل معنا عمل می‌کنند و رابعاً، همیشه در معرض انهدام، تعریف و گسست‌اند.گفتمان از منظر لاکلاو و موفه، نیز چنین جایگاهی را اشغال می‌کند با این تفاوت که این دو، به‌جای مفهوم ساخت‌یابی از واژهٔ «مفصل‌بندی» سود می‌جویند تا بر پروژه‌ای‌بودن گفتمان تأکید ورزند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۸۱) تا به تبع آن، از اهمیت معنادهی اذهان کاسته و به نقش معنادهی گفتمان افزوده گردد. از رهگذر چنین رهیافتی، لاکلاو و موفه از یک‌سو، به چالشی بنیان‌کن علیه رویکردهای «تقلیل‌گرا»[1]، «جوهرگرا»[2] و «جهان‌شمول»[3] برخاستند و از سوی دیگر به نقد آموزه‌هایی پرداختند که جامعه را از دریچهٔ عناصر مستقلی که هر کدام جدا از ارتباط شان با سایر عناصر، دارای هویتی خاص هستند، موردتحلیل و تعریف قرار می‌دهند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۹).

شایان ذکر است، مبنای تحلیل گفتمان در پژوهش حاضر، متون لوایح برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اول تا پنجم (در زمان سه دولت سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرای عدالت‌محور) است. با توجه به آنکه این جستار درصدد بررسی گفتمان عدالت جنسیتی در دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران است، لذا «عدالت جنسیتی» به‌عنوان دال‌مرکزی قلمداد گشته؛ و دو عنصر «برابری» به معنای برخورداری از امکانات، منافع و

1 reductionism
2 essentialism
3 Universal

www.SID.ir

Arshive of SID

منابع برابر از قبیل: عدالت آموزشی، برابری در اشتغال، برابری شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی همگام با مردان و ...، به‌عنوان عنصری پیشینی و عنصر «نابرابری» به معنای توجه به استحقاق‌ها و شایستگی‌ها، به‌عنوان عنصری پسینی، عناصر اصلی در تحلیل در نظر گرفته شده‌اند که در قالب نشانه‌های معنایی چون، «حضور زنان در اجتماع، حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی و بازار، حضور زنان در عرصه اشتغال و در راستای آن، نسبت و سهم برابر زنان و مردان در بازار کار، ورود و حضور زنان در عرصه سیاست و کسب مناصب دولتی و مهم مملکتی و ...» تبیین گردیده‌اند.

۵. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که، در گفتمان انقلاب‌اسلامی به‌عنوان گفتمان مسلط بعد از انقلاب، عدالت جنسیتی و مباحث مربوط به زنان مورداهتمام بسیار قرار گرفت؛ بطوری‌که این گفتمان، با تبیین الگوی اصیل زن مسلمان و تأکید بر نهاد خانواده، درصدد بود منزلت واقعی زن را نمایان کند؛ بر این اساس، گفتمان مذکور با نقد گفتمان‌های موجود در مورد زنان (گفتمان سنتی[۱] و شبه‌مدرن[۲]) و با غیریت‌سازی از آنان، تلاش کرد با بازسازی جایگاه زنان براساس مبانی نظری خود، رویکرد جدیدی در نوع نگاه به زن مطرح سازد. بدین منظور،

۱ در گفتمان سنتی نگرش به زن، برتری و تفوق توانایی‌های مرد بر زن و ناتوانی‌های زن، به‌عنوان اموری طبیعی و مبتنی بر نظام آفرینش معرفی می‌شدند. بر همین اساس، زنان به‌لحاظ ذهنی و جسمی موجوداتی پایین‌تر از مردان در نظر گرفته می‌شدند و حضور اجتماعی زن نیز به‌صورتی بسیار محدود و کنترل‌شده مطرح می‌شود (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۱۰۶– ۶۵).

۲ زیربنایی‌ترین اصل مورداتکای گفتمان شبه‌مدرنیزاسیون، بحث از عدم‌وجود تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد است. گفتمان انقلاب‌اسلامی، با برجسته‌نمودن نقاط ضعف این الگوی غربی و معرفی این الگو به‌عنوان نظامی ناکارآمد و منحرف در خصوص مباحث مربوط به زنان، که به شیءگشتگی زنان و ابزاری‌شدن آن‌ها برای نظام سرمایه‌داری جهانی منجر شده است، اشاره کرده و ناکارآمدی گفتمان شبه‌مدرنیستی را اثبات می‌کند. این گفتمان همچنین، با نقد روندهای عینی جاری در جوامع غربی، ضرورت الگوگیری از غرب را مورد تردید قرار داد و سپس از طریق نقد سیاست‌زدگی مباحث زنان و استفاده ابزاری از این مباحث، اعتبار گفتمان شبه‌مدرنیستی را به زیر سؤال برد (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۵).

www.SID.ir

Arshive of SID

گفتمان انقلاب‌اسلامی با مفصل‌بندی عنصر زن حول دال‌های مرکزی اسلامیت و جمهوریت موفق گردید به سطح بالایی از اقناع و اشباع‌کنندگی افکار عمومی دست یابد؛ چراکه، از منظر گفتمان مذکور، زن و مرد هرچند دارای تفاوت‌های طبیعی در نظام خلقت هستند، اما از این تفاوت‌ها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت، بلکه باید گفت که هر دو دارای هویتی انسانی هستند و دارابودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصت‌های اجتماعی فراهم آورد و تفاوت‌های طبیعی مذکور صرفا می‌تواند برخی استعدادهای خاص در هر جنس را مشخص کند.

بر این اساس، عنصر زن در گفتمان جمهوری اسلامی از حالت شیءبودن، ابزاربودن و در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، پیش‌آهنگ بوده و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال زندگی است. بدین ترتیب، این گفتمان خواستار برابری فرصت‌ها و امکانات برای زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گردید.

اما از سوی دیگر، این گفتمان، با توجه به نگرش خود، اقدام به برجسته‌ساختن برخی تفاوت‌های خاص بین زن و مرد نمود و تلاش کرد تا با توجه به این تفاوت‌ها، حضور زنان در عرصه‌های خاصی را تقویت کرده تا مشارکت مذکور مغایرتی با تقویت خانواده به‌عنوان بنیادی اساسی در جامعه نداشته باشد. به دیگر سخن، گفتمان جمهوری اسلامی هویت اصلی زنان و حقوق انسانی آنان را فقط در جهت ایجاد بنیادهای اسلامی مشروع می‌داند. در نتیجه، عنصر زن با روح، وظایف و تکالیف سیاسی خاصی پیوند خورده است که ناشی از دال‌های مرکزی اسلامیت و جمهوریت هستند.

این گفتمان غالب و مادر در نظام جمهوری اسلامی ایران، با ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی که برشمرده شد، با سپری‌شدن سال‌ها از پیروزی انقلاب در ایران، به تبع روی‌کارآمدن دولت‌های مختلف در این کشور، خرده‌گفتمان‌هایی چون گفتمان سازندگی، گفتمان اصلاحات و گفتمان عدالت‌محور، را در درون خود زایش نمود که با حفظ اصول و ارتباط لاینقطع با گفتمان مادر، معرف رویکردی نوین به اصول و مسیر تعریف‌شده گفتمان مذکور بودند. به تبع چنین رویکردهای نوینی، نوعی نگرش جدید به مباحث زنان، به‌خصوص

www.SID.ir

Arshive of SID

مقوله مهم عدالت جنسیتی را شاهد بودیم. گواه این مدعا، نتایج حاصل از تفسیر و تبیین متون مربوط به هر دوره خرده‌گفتمانی، بعد از انقلاب اسلامی در ایران است که به شرح ذیل است:

الف) تفسیر و تبیین مقوله عدالت جنسیتی در متون گفتمان سازندگی

اساساً، گفتمان سازندگی[1] در شرایطی مطرح شد که جنگ تحمیلی به پایان رسیده بود و کشور با توجه به تحریم‌های اقتصادی که بر آن حاکم بود و فشار بسیار زیادی را نیز بر کشور تحمیل می‌نمود، وارد دوران سازندگی و بازسازی خرابی‌ها و صدمات ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی شده بود. بر این اساس، اکثریت برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت سازندگی معطوف به مسائل اقتصادی، بازسازی، تجهیز و تکمیل زیرساخت‌های کشور، به‌خصوص در مناطق آسیب‌دیده از جنگ بود.

تمرکز بر روی این نوع سیاست‌ها و اهداف در دولت هاشمی رفسنجانی سبب کم‌توجهی به دیگر حوزه‌ها گردید که عدالت جنسیتی و زنان از جمله این مسائل بود. بر این اساس، در لوایح برنامه اول و دوم توسعه، شاهد کم‌توجهی به موضوع عدالت‌جنسیتی و مسائل پیرامون زنان در مقایسه با سایر مصادیق عدالت اجتماعی هستیم؛ بطوری‌که بررسی لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان و عدالت‌جنسیتی گویای آن است که صرفاً در خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلی این برنامه، بندهایی را می‌توان یافت که به زنان و مسائل پیرامون آن‌ها پرداخته که به شرح ذیل هستند:

جدول ۱: زنان و عدالت جنسیتی در لوایح برنامه اول و دوم توسعه

ردیف	برنامه	بند	موضوعات موردتوجه
۱		۱-۱	افزایش سطح سواد و دانش زنان
۲		۱-۳	آمادگی دفاعی در مدارس (عدالت جنسیتی)
۳	اول	۳-۱۴	تربیت بدنی و اوقات فراغت زنان
۴		۳-۱۸	مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی کشور
۵		۲-۱۲	تربیت بدنی و اوقات فراغت بانوان
۶	دوم	۲-۱۳	مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی
۷		تبصره ۶۵	ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای بانوان

۱ گفتمان معرف دولت‌های پنجم و ششم جمهوری اسلامی ایران به ریاست اکبر هاشمی رفسنجانی.

www.SID.ir

Arshive of SID

با نگاه به جایگاه زنان در لوایح برنامه‌های اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران و تحلیل گفتمان این دو برنامه می‌توان چنین استنباط نمود که در این دو لایحه، جایگاه خاصی برای زنان و مقوله عدالت جنسیتی در نظر گرفته نشده است. البته نباید از نظر دور داشت که به تعویق افتادن اصل برنامه‌ریزی در کشور به مدت یازده سال و تصویب اولین برنامه توسعه در سال ۱۳۶۸، موجب از دست‌دادن مدت زمان مؤثر جهت شناسایی نیازها و اولویت‌بندی اهداف در ارتباط با موضوعات زنان بود (زغفرانچی، ۱۳۷۸).

شرایط ایجادشده در کشور، به‌دنبال تحریم‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی، به‌وضوح خود را در امر تخصیص بودجه جهت انجام طرح‌های تحقیقاتی زیربنایی نشان می‌داد. در دهه نخست بعد از انقلاب تعداد محدود طرح‌های پژوهشی به‌ویژه تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص مسائل زنان، به‌دلیل عدم‌اولویت این‌گونه تحقیقات در جایگاه سیاسی و تصمیم‌سازی ملی، موجب فقدان تحقیقات زیربنایی در امر برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی مسائل زنان گردید (زغفرانچی، ۱۳۷۸). هرچند با تدوین برنامه‌های توسعه، اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی در مسائل مهم فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت و نشست‌ها و جلسات سازماندهی‌شده در قالب نظام برنامه‌ریزی کشور در بخش‌های اقتصادی ـ فرهنگی و سطوح مختلف (شوراهای برنامه‌ریزی استان‌ها و شهرستان‌ها) برگزار گردید؛ اما با وجود این، در لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به شرایط خاص زمانی، نقش زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طوراخص موردتوجه برنامه‌ریزان نبود بلکه ذیل موضوعات دیگر لحاظ گردید؛ بطوری‌که یکی از موضوعاتی که در این لایحه، مدنظر قرار گرفت «سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت» بود و موضوع زنان به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از بحث «کنترل موالید و جمعیت» موردتوجه واقع شد. هرچند به فاصله کوتاهی پس از تدوین لایحه برنامه دوم توسعه و آغاز اجرایی‌شدن برنامه دوّم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، با توجه به شروع فعالیت دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سایر تشکیلات و سازمان‌های غیردولتی، حرکتی در راستای اثرگذاری در تنظیم خط‌مشی‌های اساسی بخش‌ها مربوط به زنان آغاز شد و تلاش شد مسائل و مشکلات اساسی و واقعی زنان که تا آن زمان شناسایی نشده بود، لحاظ گردد، اما همچنان جایگاهی برای زنان در امر توسعه کشور در نظر گرفته نشد و صرفاً افزایش سطح سواد عمومی زنان، ارتقای سلامت آنان و برنامه اوقات

www.SID.ir

Arshive of SID

فراغت و تربیت بدنی زنان موردتوجه قرار گرفت.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفته که در حوزه عدالت جنسیتی به‌عنوان یکی از نشانه‌های اصلی مفصل‌بندی‌شده در لایحه برنامه‌های اول و دوم توسعه در دولت هاشمی رفسنجانی، دال شناور «عدالت اجتماعی»، ذیل گفتمان سازندگی، در قالب یکی از نشانه‌های مرکزی آن، یعنی «عدالت جنسیتی» مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی زنان و عدالت جنسیتی، نظام معنایی‌ای متشکل از دال‌های اصلی «کنترل موالید و جمعیت»، «افزایش سطح سواد عمومی زنان»، «ارتقای سلامت زنان» و «اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان» شکل گرفته است.

ب) تفسیر و تبیین مقوله عدالت جنسیتی در متون گفتمان اصلاحات

مقوله زنان و عدالت جنسیتی از جمله مسائلی است که در گفتمان اصلاحات[1] به‌صورت بسیار پررنگ بدان پرداخته شده است؛ به‌طوری‌که در راستای چنین اهتمام ویژه‌ای، شاهد آن هستیم که در دولت خاتمی، وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان بسیار بهتر از دولت‌های پیشینی بود که تا آن زمان در جمهوری اسلامی ایران روی کار آمده بودند. گواه این مدعا روند روبه‌رشد بسیاری از شاخص‌های مربوط به این قشر بوده است.

رویکردهای دولت اصلاحات به مقوله زنان و عدالت جنسیتی در لوایح برنامه‌های سوم و چهارم توسعه نمایان است؛ بطوری‌که، بررسی‌های به‌عمل‌آمده بر روی لوایح مذکور گویای آن است که در حوزه عدالت جنسیتی و زنان، می‌توان موارد زیر را یافت:

جدول ۲: زنان و عدالت جنسیتی در لوایح برنامه سوم و چهارم توسعه

ردیف	برنامه	بند	موضوعات موردتوجه
۱		۱۵۶ (بند الف)	شناسایی نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی زنان
۲		۱۵۶ (بند ب)	افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان
۳	سوم	۱۵۶ (بند ج)	تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان
۴		۱۵۶ (بند د)	حمایت از تشکل‌های غیردولتی زنان
۵	چهارم	۹۶	متناسب نمودن فضای آموزشی مدارس دخترانه

۱ گفتمان معرف دولت‌های هفتم و هشتم در ایران به ریاست سیدمحمد خاتمی.

www.SID.ir

Arshive of SID

ادامه جدول ۲: زنان و عدالت جنسیتی در لوایح برنامه سوم و چهارم توسعه

ردیف	برنامه	بند	موضوعات موردتوجه
۶		۹۷	ارتقای کیفیت آموزش و دستیابی به فرصت‌های برابر آموزشی برای دختران
۷		۹۷ (بند الف)	وضع و اجرای مقررات لازم، برای تأمین، جذب و نگهداشت نیروی انسانی موردنیاز مناطق محروم
۸		۹۷ (بند ب)	عدالت آموزشی و فراهم‌نمودن امکانات مناسب و مورد نیاز برای دختران
۹		۹۷ (بند ج)	ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی- پرورشی و ورزشی، به تناسب جنسیت
۱۰		۱۵۹ (بند الف)	توانمندسازی زنان
۱۱		۱۸۰ (بند الف)	توسعه فرصت‌های مشارکت زنان در کشور به منظور تقویت نقش زنان
۱۲		۱۸۰(بند ب)	تدوین برنامه جامع توسعه مشارکت زنان
۱۳		۱۸۰(بند ج)	رفع خشونت علیه زنان
۱۴		۱۸۰(بند د)	ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان
۱۵		۱۸۸	توزیع عادلانه فضای ورزشی در کشور

تحلیل گفتمان این دو لایحه مبیّن آن است که دال خالی یا به‌عبارتی، نشانهٔ کمبودها و نقصان‌های دو لایحه برنامه توسعه پیشین (برنامه اول و دوم)، در عدم‌ارایه برنامه‌ای جهت مشارکت زنان در توسعه است که در قالب مطالبهٔ برنامه توسعه سوم و چهارم، گفتمان جدیدی را حول خود ساماندهی کرده است.

بر این اساس، در لایحه برنامه سوّم توسعه، بر مبنای ایدهٔ زن در توسعه، بی‌طرفی جنسیتی در برنامه‌ریزی موردتوجه سیاست‌گذار بوده و لایحه برنامه چهارم، براساس جنسیت و توسعه، تهیه و تنظیم شده است. ایدهٔ زن در توسعه[1] این پیش‌فرض را مطرح می‌کند که توسعه اقتصادی همچنان که برای تمام جامعه مفید است، برای زنان نیز ضرورتی اجتماعی است و وضعیت زنان در جامعه فقط در صورتی اصلاح خواهد شد که برنامه‌ریزان توسعه، فرصت‌های برابر را میان

۱- در دهه ۶۰ میلادی مطرح شد.

www.SID.ir

Arshive of SID

دو جنس فراهم کنند و از سوی دیگر، زنان نیز در تلاش باشند که از حرکت عمومی جامعه به سوی توسعه باز نمانند. گرایش فمینیسم لیبرال، با این تفکر پیوند جدّی دارد و تأکید هر دو نگاه بر دو عنصر آموزش و فرصت‌های برابر برای بهبود وضع زنان، گواه این پیوند است.

به تدریج و از دهه ۸۰ به بعد، تفکر زن در توسعه با چالش جدی مواجه گردید و اصطلاح «جنسیت و توسعه» به‌عنوان جایگزین پیشنهاد شد. تأکید لایحه برنامه چهارم بر این نوع از عدالت جنسیتی سبب گردید بی‌طرفی جنسیتی به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیض مثبت حرکت نماید (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

بر این اساس، در لایحه برنامه سوم توسعه که اولین برنامه‌ای است که به‌طور مشخص به مسائل زنان و ضرورت رفع مشکلات آن‌ها پرداخته است، شناسایی نیازها و مسایل اصلی زنان برجسته‌سازی شده است؛ بطوری‌که می‌توان از آن به‌عنوان برجسته‌ترین نشانه در لایحه مذکور یاد کرد (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۱). گفتمان اصلاح‌طلب، بر بهره‌مندی از اصول و مبانی اسلام در شناسایی نیازهای مختلف زنان تأکید کرده است که البته لازم به ذکر است این عامل در رابطه با مفهوم برجسته‌شده دوران اصلاحات، یعنی، نواندیشی دین معنا می‌یابد؛ مفهومی که در رابطه با خانواده و ساختار و روابط موجود در آن، امکان ساختارشکنی از نگرش‌های پدرسالارانه و سلسله‌مراتب طولی قدرت حاکم بر این نهاد را فراهم می‌کند و برمبنای آن، ساختارهای سنتی و ارزش‌های حاکم بر خانواده موردچالش قرار گرفته و با نگریستن به زن به‌عنوان فردی مستقل و در عین حال وابسته به خانواده، تلاش می‌شود تا مسایل او به‌گونه‌ای موردتوجه قرار گیرد که در نهایت، مرتفع‌شدن این مسایل و بهبود وضعیت و شرایط زندگی زنان به ارتقای کیفیت زیست کل خانواده منجر شود.

بر این مبنا، توانمندسازی زنان، یکی از نشانه‌های اصلی گفتمان دولت اصلاح‌طلب است؛ که با نشانه‌های فرعی ذیل خود از قبیل «اشتغال»، «آموزش» و «گسترش سازمان‌های غیردولتی»، مفصل‌بندی این گفتمان را سامان می‌دهد. بطوری‌که هر یک از این نشانه‌ها، با توجه به ساختار معنایی حاکم بر گفتمان، مدلول سازگار و معنای مناسب با آن را انتخاب و بقیه را طرد می‌کند تا هرچند به‌صورت نسبی تثبیت یابد (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۳). بدین ترتیب، در سیاست‌های جنسیتی لایحه برنامه سوم توسعه، بر اصلاح امور اداری و حقوقی جهت مرتفع‌کردن موانع موجود در افزایش فرصت‌های اشتغال و ارتقای شغلی زنان و نیز تسهیل در امور حقوقی و

www.SID.ir

Arshive of SID

قضایی زنان، بدون هیچ‌گونه تمایز قابل‌توجهی میان دو جنس مصداق می‌یابد. نکته قابل‌توجه آن است که عدم‌تمایز میان دو جنس در لایحه مذکور، کاملاً آگاهانه و بر اساس اصل بی‌طرفی جنسیتی انجام گرفته است. این امر در حالی است که در لایحه برنامه چهارم، معنای دلالت‌یافته بر نشانه اصلاحات، با رویکردی رادیکال‌تر و چالش‌برانگیزتر، بر اصلاح باورهای فرهنگی در مورد شایستگی زنان و افزایش باور عمومی به توانایی آن‌ها و نیز بازنگری در قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، اطلاق می‌گردد. به این ترتیب، این گفتمان، تلاش می‌کند موانع حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را، چه به شکل موانع ذهنی و چه موانع قانونی، از میان برداشته و زمینهٔ تحقق مشارکت زنان در توسعه کشور را فراهم کند (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۴).

البته این نکته باید مورد متوجه قرار گیرد که گفتمان اصلاح‌طلب، با تأکید بر امر اشتغال بانوان، درصدد بود تا زمینهٔ توسعهٔ حضور زنان در عرصه‌هایی غیر از خانواده را نیز فراهم کند؛ بطوری‌که از یک‌سو، امکان مشارکت اقتصادی آنان و توسعهٔ کشور فراهم آید و از سوی دیگر، با افزایش استقلال زنان به‌دنبال استقلال مالی ایشان، کیفیت زندگی زنان افزایش یابد. اما درحالی‌که معنی تثبیت‌شده برای نشانه اشتغال زنان، در لایحه برنامه سوم توسعه، فقط به برداشتن موانع اداری و حقوقی بر سر راه افزایش فرصت‌های اشتغال و ارتقاء شغلی زنان، حمایت از اشتغال‌زایی زنان در قالب سازمان‌های غیردولتی و نیز اولویت زنان بیکار سرپرست خانوار جهت دریافت وام بدون بهره دلالت می‌کند؛ در لایحه برنامه چهارم، بر ابعاد معنی این نشانه افزوده شده و با برجسته‌کردن اقدامات ریشه‌ای، معنایی یک‌دست‌تر و سازگارتر با گفتمان توسعه اصلاح‌طلب برای آن ارایه می‌شود و بر ارتقای مهارت‌های شغلی و افزایش کارایی زنان از طریق دوره‌های آموزش ضمن‌خدمت، تساوی دستمزد مرد و زن در برابر کار هم‌ارزش، برابری فرصت‌ها برای زن و مرد و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های اشتغال مناسب، در جهت برجسته‌کردن مفاهیم برابری و شایسته‌سالاری دلالت می‌یابد.

همچنین، لازم به ذکر است، در لایحه برنامه سوم، سازمان‌های غیردولتی به واسطه نقش اشتغال‌زایی‌شان برای زنان موردتوجه قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که، در لایحه برنامه چهارم توسعه، با تاثیرپذیری بیشتر از گفتمان سیاسی اصلاح‌طلب، یعنی تاکید بر توسعه سیاسی و جامعه مدنی، با اختصاص‌بندی جداگانه بر حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی

www.SID.ir

Arshive of SID

و تشکل‌های زنان تاکید می‌گردد. به این ترتیب، با برجسته‌کردن وجه فعالیت‌های مدنی و سیاسی تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی ذیل این گفتمان، تلاش می‌شود در قالب سیاست‌های «از پایین به بالا»، مطالبات زنان پیگیری شده و نیز با حمایت از سازمان‌های غیردولتی، از حجم دولت و وظایف آن کاسته تا مردم در قالب سازمان‌های غیردولتی در ادارهٔ کشور سهیم گردند.

این گفتمان در حوزه عدالت جنسیتی و زنان، با تاکید بر سیاست‌های آموزشی غیرجنسیتی و برابر، بر گسترش مهارت‌ها، ارتقای بهره‌وری و سرمایه نیروی انسانی به‌ویژه برای دختران و نیز تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری دلالت‌یافته و به‌جای تاکید بر تناسب آموزش دختران با نقش‌های جنسیتی ایشان، تقویت مهارت‌های آن‌ها متناسب با نیازهای جامعه برجسته می‌شود.

ماحصل مباحث مطرح‌شده، ما را بدین سو رهنمون می‌کند که یافته‌های حاصل از تحلیل گفتمان لوایح برنامه‌های سوم و چهارم توسعه حاکی از آن است که در دولت اصلاحات، دال شناور «عدالت اجتماعی»، ذیل گفتمان اصلاحات، در قالب یکی از نشانه‌های مرکزی آن یعنی «عدالت جنسیتی» مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی مذکور، نظام معنایی‌ای متشکل از دال‌های اصلی «اصلاح قوانین مدنی و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نفع زنان»، «توانمندسازی و تقویت مهارت‌های زنان»، «اشتغال زنان و ارتقای جایگاه اقتصادی آنان»، «گسترش سازمان‌های غیردولتی زنان» و «سیاست‌های آموزشی غیرجنسیتی» شکل گرفته است.

ج) تفسیر و تبیین مقوله عدالت جنسیتی در متن بررسی‌شده در گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور

در گفتمان عدالت محور[1] شاهد تحول در نگرش به مقوله عدالت جنسیتی و زنان هستیم؛ بطوری‌که این گفتمان، نگاه جنسیتی به زن و مرد و تلاش در جهت تعریف جایگاه هر یک از دو جنس را حذف و به‌جای آن با نگاهی کلان به مقوله عدالت برای زن و مرد، سعی در تحقق چنین عدالتی در قالب نهاد اساسی خانواده داشته، بر این باور بود که فقط به سبب شکل‌گیری

۱ گفتمان معرف دولت‌های نهم و دهم در جمهوری اسلامی ایران به ریاست محمود احمدی‌نژاد

www.SID.ir

Arshive of SID

نهاد خانواده و تحکیم آن است که زنان و مردان می‌توانند جایگاه واقعی و عادلانه خود را یافته و ایفای نقش نمایند.

برمبنای چنین گفتمانی است که رویکرد توجه به زنان در دولت احمدی‌نژاد بسیار متفاوت از دولت اصلاحات ارائه می‌گردد؛ بطوری‌که این گفتمان با تأکید بر تحکیم نهاد خانواده و نقش مهم و اثرگذار زنان در خانواده، برای زن عمدتاً جایگاه همسری و مادری را تعریف کرده و بر حضور بانوان در خانه تأکید می‌کند، تا جایی‌که برای تحقق این هدف موضوع کاهش ساعت‌کاری زنان را مطرح نموده تا با تکیه بر هر شیوه‌ای حضور بانوان را در جمع خانه و خانواده پررنگ‌تر نماید.

بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه در حوزه زنان این نکته را بر ما آشکار می‌کند که از میان پنج لوایح برنامه توسعه‌ای که تاکنون در جمهوری اسلامی ایران تدوین گردیده، این برنامه، از لحاظ کمّی کم‌ترین مواد پیرامون موضوع زنان و عدالت جنسیتی را به خود اختصاص داده است. آنچه شایان ذکر است آن است که این ضعف کمّی دلالت بر کم‌توجهی به مقوله زنان و عدالت جنسیتی در پنجمین لایحه برنامه توسعه نیست زیرا در این لایحه، بر مواد اجتماع‌محور و خانواده‌محور در راستای تهیه «برنامه توسعه جامع زنان و خانواده» پرداخته شده و ۱۴ محور اصلی برای تدوین چنین برنامه جامعی، پیش‌بینی شده است که بازگوکننده اهتمام بسیار زیاد این لایحه بر مقوله زنان در قالب خانواده است.

جدول ۳: زنان و عدالت جنسیتی در لایحه برنامه پنجم توسعه

ردیف	ماده	موضوعات موردتوجه
۱	۴۴	توانمندسازی زنان
۲	بند الف ماده ۴۴	طراحی نظام سطح‌بندی خدمات حمایتی و توانمندسازی متناسب با شرایط بومی، منطقه‌ای
۳	بند ب ماده ۴۴	اجرای برنامه‌های توانمندسازی برای حداقل (۱۰ درصد) خانوارهای تحت پوشش
۴	بند ج ماده ۴۴	تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند
۵	۴۶	تعریف و شناسایی کار خانه‌داری زنان در خانه به‌عنوان فعالیت اقتصادی

تحلیل گفتمان لایحه برنامه پنجم توسعه در حوزه عدالت جنسیتی و زنان حاکی از آن است که این گفتمان در مطالبهٔ خود با خلاءها و فقدان‌های موجود در برنامه‌های سوم و چهارم

www.SID.ir

Arshive of SID

توسعه، به‌خصوص در مسایل معطوف به زنان، «نقش زن در خانواده» را در قالب نشانه خالی گفتمان اصلاح‌طلب، برجسته کرده و با قراردادن آن در جایگاه نشانه ممتاز گفتمان خود، به همراه نشانه‌های اصلی «تحکیم خانواده» و «توسعه فرهنگ عفاف و حجاب»، به ساختارشکنی در گفتمان اصلاح‌طلب پرداخته و با ایجاد تزلزل در نظام معنایی تثبیت‌یافته آن، گفتمان خود را مفصل‌بندی کرده است. بر این اساس، گفتمان اصول‌گرای احمدی‌نژاد تلاش نمود برنامه‌هایی را که محور توجه‌شان مسایل زنان و فاصله‌گذاری میان مسایل زنان و مسایل خانواده است، به آموزه‌های لیبرالیستی منتسب کرده و با برجسته‌کردن مفهوم فردگرایی، به‌عنوان یکی از نشانه‌های فرهنگ مدرن و تهاجم فرهنگی غرب، آن‌ها را اندیشه‌ای ضدخانواده معرفی کرده و تلاش نماید آن‌ها را به حاشیه براند (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۵).

این گفتمان با ساختارشکنی، از دال توانمندسازی زنان به‌عنوان یکی از نشانه‌های اصلی گفتمان اصلاح‌طلب خاتمی، آن‌را در قالب یکی از نشانه‌های فرعی و به‌حاشیه‌رانده‌شده، ذیل دال اصلی تحکیم خانواده قرارداده و آن‌را فقط به دو گروه از زنان محدود می‌کند؛ یکی، زنان مدیر و نخبه و دیگری، زنان سرپرست خانوار ذیل افراد و گروه‌های نیازمند. به این ترتیب، برای اکثر زنانی که ذیل این دو گروه نمی‌گنجند، در سایه خانواده و وابستگی به توانمندی‌های خانواده، برنامه‌ای مستقل جهت ارتقای توانمندی‌های ایشان ارایه نمی‌گردد. بدین ترتیب، گفتمان اصول‌گرا با تأکید بر مقوله تحکیم خانواده، بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به تحکیم خانواده، سامان‌دهی و اعتباربخشی به مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی، تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم خانواده را موردتوجه قرار داده است و در مقابل با هدف به‌حاشیه‌راندن هرچه بیشتر نشانه اشتغال رسمی و خارج از خانه زنان، به برجسته‌کردن نقش نان‌آوری مردان پرداخته و با برجسته‌کردن دال تحکیم خانواده، بر اشتغال خانگی تاکید کرده است. همچنین، این گفتمان، با توجه به تهدیدات موجود در محیط کار، دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرای «طرح جامع عفاف و حجاب» و متناسب‌سازی محیط خدمتی با اقتضائات جامعه اسلامی می‌کند و بر این اساس، سیاست‌های خود، مبنی بر اشتغال خانگی و دورکاری زنان را به‌عنوان برنامه‌هایی در جهت حفظ بنیان خانواده و اخلاق در جامعه و همچنین، رقیب الگوی اشتغال تمام‌وقت معرفی می‌کند (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۴).

www.SID.ir

Arshive of SID

۶. نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان گفت، گفتمان جمهوری اسلامی، با طرح مقوله هویت انسانی و قائل‌شدن تقدم برای آن در برابر هویت جنسیتی که گفتمان سنتی، نقطه آغازین تحلیل خود را بر آن قرار داده، از یک‌سو تلاش می‌کند نقطه تمرکز جدیدی برای ارائه تحلیل‌های مبتنی بر منابع دینی و اسلامی معرفی نماید و از این طریق، به سامان‌دهی وضعیت زنان در جامعه متحول و قطعه‌قطعه‌شده معاصر بپردازد و از سوی دیگر، براساس موازین و منابع اسلامی امکان نقد پایه‌های معرفتی گفتمان سنتی را بیابد. به بیان دیگر، در گفتمان جمهوری اسلامی، اسلامیت در کنار جمهوریت تعدیل و بازخوانی می‌گردد. اسلامیت به‌عنوان دال دگرساز و جمهوریت به‌عنوان دال اقناع‌کننده و اشباع‌کننده افکار عمومی در عصر حاضر، درون این گفتمان به‌عنوان منابع معنادهی در نظر گرفته می‌شوند تا اسلام سیاسی که در گفتمان سنتی ردپایی از آن دیده نمی‌شد مجالی برای محقق‌شدن بیابد. بر این اساس، از یک‌سو برخلاف گفتمان سنتی، زنان در جامعه مجال حضور می‌یابند و از سوی دیگر برخلاف گفتمان مدرنیزاسیون، نوع خاصی از حضور اجتماعی زن تعریف می‌گردد که در آن، زنان به‌صورت افراد آگاه سیاسی و هم‌سو با آرمان‌های انقلاب تصویر می‌شوند. در چنین گفتمانی، زنان به‌دلیل وظیفه تربیتی مهمی که در خانواده ایفا می‌نمایند، نقش فعالی در انتقال و گسترش آموزه‌ها و گزاره‌های گفتمان برعهده دارند. در نتیجه، عنصر زن با روح، وظایف و تکالیف سیاسی خاص پیوند خورده است و گفتمان جمهوری اسلامی، هویت اصلی و حقوق انسانی آنان را فقط در راستای انجام چنین وظایف و مسئولیت‌هایی مشروع می‌داند.

بر این اساس، در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت جنسیتی و مباحث مربوط به زنان مورداهتمام بسیار قرار گرفت؛ بطوری‌که، این گفتمان با تبیین الگوی اصیل زن مسلمان و تأکید بر نهاد خانواده، درصدد بود منزلت واقعی زن را نمایان کند. در راستای این هدف، با نقد گفتمان‌های موجود در مورد زنان (گفتمان سنتی و شبه‌مدرن)، و غیریت‌سازی با آن‌ها، تلاش شد تا با بازسازی جایگاه زنان براساس مبانی نظری اسلام، رویکرد جدیدی در نوع نگاه به زن مطرح سازد.

اما، در *گفتمان دولت سازندگی*، به‌طورکلی، موضوع زنان و عدالت جنسیتی جایگاه ویژه‌ای نداشته است. گواه این مدعا لوایح برنامه‌های اول و دوم توسعه است که بازگوکننده رویکردهای

www.SID.ir

Arshive of SID

گفتمانی دولت سازندگی بوده و حاکی از مورد غفلت و کم‌توجهی واقع‌شدن زنان و مباحث عدالت جنسیتی است؛ به‌طوری‌که در لایحه برنامه اول توسعه شاهد بی‌توجهی و در لایحه برنامه دوم، شاهد کم‌توجهی به موضوع عدالت جنسیتی و مسائل درباره زنان هستیم؛ لذا در این دو برنامه صرفاً به‌صورت کلی و بدون درنظرگرفتن جایگاه خاص برای زنان، در خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلی این دو برنامه در چند تبصره محدود، به زنان و مسائل پیرامون آن‌ها پرداخته شده است و نقش زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور اخص موردتوجه برنامه‌ریزان دولت هاشمی قرار نگرفته است. لازم به ذکر است، آنچه عدالت جنسیتی در گفتمان سازندگی را به بی‌راهه برده، توجه ویژه این دولت به مقوله «سیاست تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت» بود که سبب گردید از سویی زنان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از بحث «کنترل موالید و جمعیت» موردتوجه واقع گردند و از سویی دیگر، مسائل و مشکلات اساسی و از همه مهم‌تر، تقاضاهای واقعی زنان که خواستار بازتعریف نگاه سنتی به زن موردشناسایی صحیح واقع نگردد. نگاه سنتی صرفاً زن را در کانون نهاد خانواده و در جایگاه مولد و پرورش‌دهنده نسل‌های آینده جستجو می‌کرد. در گفتمان سازندگی صرفاً افزایش سطح سواد عمومی زنان و ارتقای سلامت آنان که تأثیر مستقیمی بر موفقیت سیاست‌های تنظیم خانواده و کنترل رشد جمعیت خواهد داشت، موردتوجه قرار گرفته است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت عدالت جنسیتی به‌عنوان یکی از مصادیق عدالت اجتماعی در گفتمان سازندگی تحقق نیافته و نمود عینی چندانی نداشته است.

در مقابل، *گفتمان اصلاحات*، به مقوله زنان و عدالت جنسیتی به‌صورت بسیار برجسته و ویژه پرداخته است؛ بطوری‌که این گفتمان، اولین گفتمانی است که به‌طور مشخص به مسائل خاص زنان و ضرورت رفع مشکلات آن‌ها توجه داشته و شناسایی نیازها و مسایل اصلی زنان را در دستورکار قرار داد. از سوی دیگر، دولت اصلاحات با اعمال سیاست‌های برابری جنسیتی و فراهم‌نمودن امکانات لازم جهت رشد و ارتقای زنان، عرصه را برای حرکت رو به جلو در قالب تأسیس «مرکز امور مشارکت زنان» فراهم نمود.

این در حالی است که *گفتمان عدالت‌محور*، رویکردی بسیار متفاوت نسبت به گفتمان‌های پیشین در خصوص دال شناور عدالت اجتماعی با نشانه اصلی عدالت جنسیتی داشته است؛ به‌طوری‌که این گفتمان با نگاهی کلان به مقوله عدالت برای زن و مرد تلاش در جهت تعریف

www.SID.ir

Arshive of SID

جایگاه هر یک از دو جنس و تحقق عدالت جنسیتی در قالب نهاد خانواده دارد و بر این باور است که فقط به سبب شکل‌گیری نهاد خانواده و تحکیم آن است که زنان و مردان می‌توانند جایگاه واقعی و عادلانه خود را یافته و ایفای نقش نمایند. بر این اساس، دولت عدالت‌محور احمدی‌نژاد درصدد برآمد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درباره مقوله زن و عدالت جنسیتی را در بطن برنامه‌ریزی‌های پیرامون نهاد خانواده قرار دهد. برمبنای چنین سیاستی، شاهد تهیه و تدوین «برنامه توسعه جامع زنان و خانواده» در این دولت هستیم. در واقع، در این گفتمان، پیوستگی میان مسایل زنان و خانواده صورت گرفته، به‌طوری‌که مقوله زنان در ذیل مبحث خانواده مطرح شده است و تأکید بر نقش مهم و اثرگذار زنان در خانواده داشته است. در راستای این سیاست، دولت عدالت‌محور با پیشنهاد طرح تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان در روابط اجتماعی» به نوعی در تلاش بود تا با نامناسب‌جلوه‌دادن فضای جامعه و تأکید بر عدم‌وجود امنیت در مکان‌های اجتماعی برای زنان، به نوعی باور جامعه را بدین سو سوق دهد که محیط‌خانه مناسب‌ترین و امن‌ترین مکان برای حضور زنان است، پس چه بهتر که زنان با حضور در منزل و پررنگ‌تر کردن نقش همسری و مادری بر بالندگی هرچه بیشتر و بهتر جامعه بکوشند.

در جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده پیرامون عدالت جنسیتی در گفتمان دولت‌های پس از انقلاب می‌توان گفت که دال شناور «عدالت اجتماعی»، ذیل گفتمان کلان انقلاب‌اسلامی، در قالب نشانه مرکزی «عدالت جنسیتی» مسدود شده است و مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی مذکور، نظام معنایی‌ای متشکل از دال‌های اصلی «توانمندی زنان»، «اشتغال زنان»، «حجاب و عفاف زنان» و «امنیت زنان» را شکل داده است. از میان گفتمان‌های مطرح‌شده، گفتمان اصلاحات در تحقق شاخص‌های عدالت جنسیتی که از شاخص‌های توسعه در جامعه امروز قلمداد می‌گردد، موفق‌تر از گفتمان‌های دیگر عمل نموده است.

منابع

- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۸). عدالت جنیسیتی و اشتغال زنـان. *مطالعـات راهبـردی زنـان*. دوره ۱۲. شماره ۴۶.
- بهرامی‌کمیل، نظام. (۱۳۸۸). *نظریه رسانه‌ها جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: نشر کویر. چاپ اول.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۷). متن، وانمود و تحلیل گفتمان. *فصلنامه گفتمان*. تابسـتان ۱۳۷۷. شـماره یک.

www.SID.ir

Arshive of SID

- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: نشر فرهنگ گفتمان. چاپ اول.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). *گفتمان و پادگفتمان وسیاست*، تهران: مؤسسه تحقیقات وتوسعه علوم انسانی.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۸). *ترجمه نهج البلاغه*، قم: نشر مشرقین.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۸). عدالت جنیسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری. *مطالعات راهبردی زنان*. دوره ۱۲. شماره ۴۶.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی. چاپ دوم.
- سوسور، فردیناند. (۱۳۷۸). *دوره زبانشناسی عمومی*. مترجم کوروش صفوی. تهران: انتشارات هرمس.
- طباطبایی، علامه محمد حسین. (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جماعه المدرسین حوزه العلمیه.
- عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست. *مجله طوبی*. شماره ۳۴.
- صفری شالی، رضا. (۱۳۹۲). *بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران*. پایان‌نامه مقطع دکتری رشته رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- فیرحی، داوود. (۱۳۸۱). *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*. تهران: نشر نی. چاپ دوم.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۸۵) *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*. تهران: نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مددی چلیچه، مجتبی (زمستان ۱۳۸۸). زن- جامعه- عدالت جنسیتی. *مطالعات راهبردی زنان*. دوره ۱۲. شماره ۴۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: نشر صدرا. چاپ اول.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- منوچهری، عباس. (۱۳۸۷). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*. تهران: نشر سمت. چاپ اول.
- مهدوی‌زادگان، داوود؛ داعی‌نژاد، محمدعلی؛ طاهری، معصومه. (۱۳۸۳). *حقوق زنان نقد و بررسی کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان*. تهران: نشر روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان. چاپ اول.
- نیکخواه قمصری، نرگس. (۱۳۸۴). *تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی*. تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی. چاپ اول.
- هزارجریبی، جعفر و صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه اجتماعی*. تهران: جامعه و فرهنگ.

www.SID.ir

Arshive of SID

- هوارت، دیوید. (۱۳۷۹). *نظریه گفتمان، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان به اهتمام دکتر محمدرضا تاجیک*. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: نشر فرهنگ گفتمان. چاپ اول.
- کرمی قهی، محمدتقی. (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده. *فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*. سال چهارم. شماره ۱۳.
- احمدی، مینا. (۱۳۸۴). پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران، بخش پایانی: تحول در امور بنیادین. *فصلنامه کتاب زنان*. شماره ۳۰ .
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام (۲۲ جلد)*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج). چاپ چهارم.
- زعفرانچی، لیلا سادات. (۱۳۷۸). زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه. *کتاب زنان. ویژه نامه زن و حکومت*.
- پیت، ریچارد و هارت ویک. (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*. ترجمه مصطفی ازکیا و رضا صفری شالی. تهران: نشر لویه. چاپ اول.
- Jones, k.b. (1988). Towards the revision of politics. In Jones, k.b. and Janasdottir. (Eds). a. g. *the political interests of gender*. Sage: London.
- Jones, k. b. (1990). *Citizenship in Women- Friendly Polity*. signs. 15.
- Mouffe, c. (1999). Feminism, Citizenship and Radical Democratic Politics. In batler and Scott. (Eds). *Feminist theories*. The political Routledge: London.
- Phillips, L & Jorgensen, M. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. California: sage publications.
- Mouffe, CH. (1993). *The Return of the Political*. London: Verso.
- Baliamoune, Mina. (2002). *Gender Inequality and Economic Development in Sub- Saharan Africa and Arab Countries*. UNU/WIDER Discussion paper 91. World Institute for Development Economics Research. Helsinki: United Nations University.
- Khani, F. (2009). Analytical framework for the study of gender inequality in the world. *Journal of Women in Development and Policy*. 8(14). 2-14. (In Persian).
- Seguino, S. (2012). Why are Women in the Caribbean so much more likely than Men to be Unemployed? *Social and Economic Studies*. 52(5). 81-324.
- Seguino, S. (1998). *Gender Inequality and Economic Growth: A Cross-Country analysis*. Mimeographed. University of Vermont.

www.SID.ir